

**حدیث روز:**  
امام حسن(ع)، بین حق و باطل به اندازه چهار انگشت فاصله است، آنچه با چشمت ببینی حق است و چه بسا با گوش خود سخن باطل بسپاری را بشنوی.

**واحه:**  
خونم بریخت وز غم عشقم خلاص داد  
منت پذیر غمزه خنجر گذارمت

**اوقات شرعی:**  
اذان ظهر: ۱۷/۵۳  
اذان مغرب: ۱۸/۶  
اذان صبح (فردا): ۴/۳۹  
غروب آفتاب: ۱۷/۴۴  
نیمه شب شرعی: ۲۳/۱۱  
طلوع خورشید (فردا): ۶/۲۰

**وضعیت آب و هوای امروز**

شایده: ۳۶۳۷- ISSN۱۷۳۵۰۰  
پایگاه اطلاع رسانی:  
www.jamejamonline.ir  
www.jamejamdaily.ir  
پست الکترونیکی:  
info@jamejamdaily.ir

دوشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۰ | ۲۷ صفر ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۰۴۸ | Monday - October 4 , 2021

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

امروز در تاریخ:

- کشایش راه‌آهن تهران و زنجان(۱۳۱۹ش)
- هجرت امام خمینی(ره) از عراق به کویت
- تحت فشار رژیم بعثی عراق(۱۳۵۷ش)
- درگذشت احمد محمود، نویسنده(۱۳۸۱ش)
- کشف پنی سیلین توسط الکساندر فلمینگ(۱۹۲۸م)
- پرتاب نخستین قمر مصنوعی شوروی به فضا و آغاز عصر فضا(۱۹۵۷م)

حکمت ۱۷۰:

نهج‌البلغه: گناه نکردن از توبه کردن آسان تر است.

**تلنگر**  
هم تیمی‌ام خراب کرد



علیرضا راقتی

روژنامه‌نگار  
وقتی از میزانی بالاتر می‌روند دیگر نمی‌شود مثل اصوات طبیعی صدای مرد مثل طاب گاوچران‌هاییچیده‌شد دور گردنم و برگشتم سمت‌شان، صداها یعنی اتفاق غیرمعمولی دارد می‌افتد. مرد از ماشین‌اش پیاده‌شده بود و سر ماشین پشت‌سری داد و فریاد می‌کرد. مرد ریش‌داری که پیراهن مشکی پوشیده بود و پیراهنش را روی شلوار انداخته بود و دکمه‌های یقه‌اش را هم بسته بود. بلند بلند با راننده ماشین پشت‌سری بحث می‌کرد و راننده پشت‌سره هم صدایش را کمی برده بود بالا که: «حالا اتفاقی نیفتاده که! چرا جوش میاری؟!»

کاراکتر قهرمان این پلان یک مرد زیاله‌گرد بود که با سر و رویی آشفته و اصلاح‌نکرده و لباس‌هایی کثیف و پاره، گونی زیاله‌هایش را گذاشته بود کنار یک سطل زباله مکانیزه و می‌گفت: «آقا چرا الکی با هم این‌جوری می‌کنید؟ صلوات بفرستید!»  
مرد پیراهن مشکی سوار ماشین‌اش شد و راه افتاد و چند ماشین دیگر هم پشت‌سرش به مسیرشان در آن کوچه نسبتاً تار یک‌داده دادند. چند متر جلوتر، خودروی مرد پیراهن مشکی جلوی در پارکینگ ایستاد که برود داخل و خودروهای دیگر هم پشت‌سرش، مرد بوق زد، در پارکینگ باز نند، گوشی را برداشت که تماس بگیرد و همین‌طور که راه چند ماشین دیگر را بند آورده بود و کم‌کم داشت صدای راننده‌ها در می‌آمد، حتی نگاه‌های سمت‌شان‌نکرد. من اما ایستادم، مثل یک هم‌تیمی که از دید بازی کردن هم تیمی‌اش نگران است ایستادم به تماشا. منتظر بودم مرد پیراهن مشکی از ماشین پیاده شود و از تکت‌تک راننده‌هایی که معطل‌شان کرده عذرخواهی کند اما نکرد. جایی که مرد پیراهن مشکی جلوی پارکینگش مانده بود یک مجموعه فرهنگی- مذهبی بود و من نگران آن پیراهن مشکی‌ای بودم که تن مرد بود. آن پیراهن مشکی که پرچم ایام شهادت ائمه(ع) است و وقتی تن کسی می‌رود باید حساب رفتارش را بیش از پیش داشته باشد. مثل بازیکنی که اگر با لباس تیم ملی کشورش خلاف کند، جریمش خیلی سنگین‌تر از خلاف با لباس عادی است. مرد پیراهن مشکی عذرخواهی نکرد و من یاد حدیث امام حسن عسکری بودم: مایه زینت ما باشید، نه مایه ننگ ما....

امام حسن مجتبی(ع) در قبرستان بقیع به خاک سپرده شده‌اند



کافه میرداماد

گفت‌وگو با هادی جانفدا، شاعر اهل بیت در سالروز شهادت امام حسن(ع)

## فقرزدایی به شیوه کریم اهل بیت(ع)

پس ارشد امام علی(ع) و فاطمه(زهرا) س)، نوه ارشد پیامبر اسلام(ص) آن‌طور که از احادیث و اسناد مشخص است، حضرت محمد(ص) او برادرش امام حسین(ع) را بسیار دوست داشت و حضورشان را در همه جا گرمی می‌داشت، وقتی آنها کودک بودند را روی زانو‌اش می‌نشاند و با این دو برادر که مانند نور چشمش بودند، بازی کرده و آنها را سرگرم می‌کرد. طبق روایات امام حسن(ع) جنگجوی بسیار خوبی بوده، آنقدر متبحر که پدرش امیرالمومنین(ع) هر زمان لازم بود چه زمانی که خلافت مسلمانین را به عهده نداشت و چه زمانی که امیرمومنین شد، پس ارشد خود را به میدان جنگ می‌فرستاد، چون می‌دانست او پیروز از میدان به در خواهد آمد. حالا تصور کنید مردی چنین شجاع و بی‌باک، آنقدر درایت و آینده‌نگر باشد و زمانه خود را بشناسد که به جای جنگ با معاویه با او صلح کند اما

آنقدر بنی‌امیه از امام حسن(ع) و اومه و ترس داشته باشد که او را مسموم کرده و به شهادت برسانند به این دلیل که می‌دانستند نمی‌توان در جنگ رو در رو، بر امام دوم شیعیان پیروز شد.

آنقدر بنی‌امیه از امام حسن(ع) و اومه و ترس داشته باشد که او را مسموم کرده و به شهادت برسانند به این دلیل که می‌دانستند نمی‌توان در جنگ رو در رو، بر امام دوم شیعیان پیروز شد.

رحم به قاتل خود

هادی جانفدا که درباره زندگی، سلوک رفتاری و سبک زندگی ائمه(ع) بسیار خواننده و دیدن تحقیق درباره مرام آنها سخن نمی‌گوید، درباره حلم و صبوری امام حسن(ع) می‌گوید، تاریخ‌نگاران درباره بزرگواری و صبر ایشان نوشته‌اند، روزی که جعده، همسر امام(ع) با برنامهریزی معاویه تصمیم به مسموم کردن و به شهادت رساندن ایشان گرفت، امام(ع) روزه بود و موقع افطار بسیار تشنه، وقت اذان، کوزه را برداشت که آب بنوشد و روزه‌اش را افطار کند. سمی که جعده در کوزه آب

### ایمان عملی

از اسلام و شیعه تجربه خوبی در ذهنش ثبت خواهد شد. اگر قرار است اخلاق حسنه را ترویج کنیم، باید نخبگان و افراد سرشناس در هر حوزه عملی آنها را نشان دهند. نمی‌توان روی پیشانی نوشت من آدم مذهبی و پیرو امام حسن(ع) هستم. مذهبی بودن و پیرو ائمه اطهار(ع) را مردم باید به چشم ببینند و باور کنند تا پیروان آن حضرت بیشتر شوند. رسول خدا(ص) فرموده‌اند: مردم را به سمت خدا جز زبان راه‌نمایی کنید. نمی‌توان فقط با حرف به مردم نشان داد امام حسن مجتبی(ع) در اوج بردباری، بخشندگی، صبوری، امانداری، آبروداری، دست و دلبازی و... بوده است باید همه اینها را در حرف که در عمل بروز دهیم.



### نظر قیصر امین‌پور درباره شعر جوانان

قیصر امین‌پور، شاعر و عضو هیات مدیره خانه شاعران معاصر گفت: باید بین نقد شعر جوانان و نادیده‌گرفتن استعداد‌های بالنده آنان تفاوت قائل شد. او افزود: با یک حساب سرانگشتی می‌توان دریافت وضعیت شعر جوان چگونه است؟ آیا این شاعران که باید از آنها حمایت کنیم اهل مطالعه هستند؟ با کتاب‌های کلاسیک و تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی و فنون بلاغی و متون نظم و نثر قدیم و جدید آشنایند؟ مطالعه رویکردهای جدید نقد ادبی از ضرورت‌های مورد نیاز شاعران جوان است. (صفحه ۱۶)



### تهمینه میلانی آزاد شد

تهمینه رضایی میلانی به دلیل مرتفع‌شدن جهات بازداشت، آزاد شد. دادگاه انقلاب اسلامی تهران دیروز اعلام کرد: تهمینه رضایی میلانی به دلیل مرتفع‌شدن جهات بازداشت و رفع بیم ثبانی پس از خاتمه تحقیقات از مرتبطين پرونده از زندان آزاد شد. دادگاه قرار بازداشت موقت صادره درباره این کارگردان را فک و تبدیل به قرار کفالت به میزان ۲۰۰ میلیون ریال کرد. پیشتر محمد پزشکی، معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گفته بود که حسن احمدی مقدس، رئیس شعبه ۳ دادگاه انقلاب اسلامی با پذیرش ضمانت وی حکم آزادی میلانی را صادر کرده است. میلانی اواخر هفته گذشته به اتهام حمایت از گروهک محارب و صدام‌انقلاب در آتارش بازداشت شد. (صفحه ۳)

### مسیر سبز در سینماهای ایران

فیلم مسیر سبز در سینماهای فرهنگ و مرکزی با صدای دالبی به نمایش درمی‌آید. این فیلم با زبان اصلی و زیرنویس فارسی در تمام سئانس‌های این دو سینما روی پرده می‌رود همچنین فیلم راکی و بولونیکل در سئانس آخر سینما صحر به نمایش درخواهد آمد و فیلم «اس» «اسب‌آبی» محصول کشور ایتالیا در سینماهای شهر تماشا، کریستال و آرش روی پرده خواهد رفت. (صفحه ۳)

### آمار بالای مردودی‌ها

معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش گفت: هر سال یک میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز در مقاطع مختلف در کشور مردود می‌شوند، رحیم عبادی افزود، بیشترین تعداد مردودی‌ها مربوط به دانش‌آموزان دوره متوسطه است. وزارت آموزش و پرورش تشکیلات گسترده‌ای دارد اما تاکنون نتوانسته انتظارات جامعه در زمینه آموزش و پرورش را برآورده کند. (صفحه ۱۳)

### لهستان به جام جهانی رسید

تیم فوتبال لهستان پس از سه‌دوره غیبت در جام‌های جهانی ۱۹۹۰، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ اسرانجام مجوز حضور در جام جهانی را دریافت کرد و حالا پس از ۱۶ سال در جام جهانی ۲۰۲۰ حضور خواهد یافت. با انجام قرعه‌کشی رقابت‌های مقدماتی در قاره اروپا همه گمان می‌کردند در گروه پنجم که تیم‌های نه‌چندان قدرتمند در آن حضور دارند تیم نروژ صعود کند اما جدول این گروه درحال حاضر وضعیتی دارد که کمتر کسی فکر آن را می‌کرد. لهستان حالا با ۲۰ امتیاز از هشت بازی به‌عنوان اولین تیمی که از گروه‌های ۹ گانه اروپا مجوز صعود گرفته است. (صفحه ۱۵)

مقطع حساس کنونی

پاروزند به سمت ساحل



امید مهدی‌نژاد

طنزنویس

ناخدای یک کشتی تجارتی بزرگ که مردی جوان اما تحصیلکرده بود، هر شب پس از صرف شام با یکی از نیروهای خدماتی که پیرمردی کم‌سواد اما باصفا بود، دقایقی را به صحبت و گپ و گفت می‌گذراند و با او صفا می‌کرد، شبی ناخدا از پیرمرد پرسید: تو از علم جغرافیا چیزی می‌دانی؟ پیرمرد گفت: نه. ناخدا گفت: پس بدان یک چهارم عمرت بر فنا رفته است. پیرمرد به فکر فرو رفت و همان‌طور که ظرف غذای ناخدا را جمع می‌کرد نزد خود افسوس خورد که چرا از زمین‌شناسی چیزی نمی‌داند. شب بعد، ناخدا از پیرمرد پرسید: تو از علم هواشناسی چیزی می‌دانی؟ پیرمرد گفت: نه. ناخدا گفت: پس بدان نیمی از عمرت به فنا رفته است. پیرمرد بار دیگر افسوس خورد و ظرف‌های غذای ناخدا را جمع کرد. شب بعد ناخدا از پیرمرد پرسید: تو از میادید و میبانی سواد رسانه‌سر در می‌آوری؟ پیرمرد گفت: نه. ناخدا گفت: پس سه چهارم عمرت برفناست. پیرمرد بار دیگر با افسوس ظرف غذای ناخدا را جمع کرد. شب بعد، پیش از آن‌که وقت غذا فرا برسد، پیرمرد با شتاب نزد ناخدا رفت و گفت: شناکردن بلدی؟ ناخدا گفت: پس چی؟ یکی از شروط اولیه کار روی کشتی شنا کردن است. پیرمرد گفت: حیف شد. اگر بلد نبود می‌گفتم کل عمر تو بر فناست. ناخدا گفت: مگر چطور؟ پیرمرد گفت: کشتی با صخره برخورد کرده و به‌زودی غرق خواهد شد. ناخدا به‌سرعت از جابرجاست و از محل حادثه سرکشی کرد و از خدمه خواست قایق‌های نجات را به آب بیندازد و ظرف نیم ساعت همه سرزشینان از کشتی نجات پیدا کردند. در این هنگام ناخدا رو به پیرمرد کرد و گفت: نظر به شایستگی‌ها و تجارب و با توجه به این‌که از طرز فکر، اعتماد به نفس و سرعت عملت خوشم آمد، تو را به‌سمت مشاور مخصوص اعلام‌خطر منصوب می‌نمایم. سپس همگی به سمت ساحل پارو زدند.

